

نقش یهود در مبارزه با اسلام

چرا با اسلام مخالفت می کردند ؟ نیرنگ های خطرناک
برای مبارزه با اسلام - اهاننت بیگانه مسلمان بمنزله اهاننت بیهمة مسلمین
است - جاسوسی بفتح دشمنان اسلام - نقشه قتل پیغمبر چگونه بهم
خورد ؟ قطع نفوذ سیاسی - نشر اکاذیب.

دنایای اسلام در سالهای اخیر بایک سلسله خطرهای جدی و بحرانهای داخلی و خارجی
مواجه گشته است که شاید در طول تاریخ کمتر سابقه داشته باشد.

تجاوز علمنی اسرائیل به سرزمین های اسلامی و اشغال آنها و کشت و کشتار
بیرحمانه مسلمانها و بیرون کردن صد هاهزار مسلمان از خانه و آشیانه خود با
وضع رقت بار و شکنجه و آزار مسلمانها در سرزمین های اشغالی راستی فاجعه
عظیمی برای عالم اسلام بوده و نمونه بارزی از مقاصد شوم و نقشه های خطرناک
صهیونیسم جهانی می باشد.

در مقابل این خطر عظیم چه باید کرد ؟ آیا اعتقاد بحقانیت اسلام و اینکه اسلام بهترین و
کاملترین ادیان آسمانی است تنها در حفظ آن از خطرات و پیشرفت آن کافی است ؟ مسلماً نه ،
بلکه باید مسلمانها در مرحله اول طرز تفکر صحیح اسلامی داشته باشند و بتوانین آن عمل کنند
زیرا قوانین مترقی اسلام به بهترین وجهی و وظائف مسلمانها را در هر عصری روشن نموده است ، عمل
با آنها نه تنها دین آسمانی اسلام را از خطرات حفظی کند بلکه سیادت و عظمت مسلمانها را زیاده تر
کرده ، به دوره های طلایی گذشته برمی گرداند .

مسلمانها باید دشمنان خود را خوب بشناسند و از نقشه ها و دسیسه های آنان اطلاع پیدا
کرده از خواب هائی که برای جهان و بخصوص برای جامعه مسلمین دنیا دیده اند آگاهی پیدا
کرده سپس با تمام باقوا و هماهنگی کاملی با روش صحیح و حساب شده ای برای مبارزه با این خطر
بزرگ اقدام کنند. مطالعه صفحات تاریخ درخشان و پر افتخار اسلام بخوبی نشان می دهد که اسلام
از همان اوائل طلوع خود از عربستان و منطقه حجاز با مخالفین سرسختی مواجه بوده است .
یهودیان حجاز و بیت پرستان قشر مهمی از مخالفین را تشکیل می دادند که بناوین مختلف
و بطرق گوناگون می کوشیدند که اسلام را در نطفه خفه کنند و مجال حیات و پیشرفت آن ندهند
و برای تأمین این هدف نهائی خود هر روز طرحهای جدید و نقشه های خطرناک نوی برای قطع
ریشه اسلام بمرحله اجرامی گذاشتند و لکن اسلام علی رغم مخالفت های سخت آنان به پیشرفت
خود ادامه می داد .

راستی پیشرفت سریع اسلام با وجود نقشه‌های شوم مخالفین خود دلیل بارزی بر حقانیت آن‌می باشد که بخوبی توانسته است در میان این صحنه‌های هولناک فاتح و پیروز بیرون بیاید و از جمله مخالفین سرسخت اسلام از همان ابتداء پیدایش آن، یهودیان حجاز بودند که بیشتر در مدینه و اطراف آن سکونت داشتند .

آنها بهر نحو که می توانستند و از هر طریقی که ممکن میشد در نابودی اسلام هم یکوشیدند برای پیش برد هدفهای خود نقشه‌های دقیق خائنانه‌ای می کشیدند ، گو اینکه کاری از پیش نبردند و بهدفعهای نهائی خود نرسیدند و اکثر نقشه‌های آنان مواجه با شکست گردید ولی باید اعتراف کرد که لااقل این اثر را داشت که در مقابل پیشرفت نیروهای مسلمین موانعی ایجاد می کردند و آنرا تضعیف می نمودند .

چرا با اسلام مخالفت می کردند ؟

علت مخالفت آن‌ان را با اسلام بیشتر باید در معتقدات مذهبی و روح و فکر مادی آن‌ان جستجو کرد آنها بموجب معتقدات مذهبی دین خود را تنها دین حق دانسته و سایر ادیان را باطل و خود را بالاترین نژاد و تنها برگزیده خدای دانند و شریعت موسی را اولین و آخرین آن‌می پندارند و بدین ترتیب روح تسام و همزیستی با سایر ادیان در عقاید مذهبی آنها دیده نمیشود .

از این رو یهود نه تنها با اسلام و قوانین و نظام خاص فردی و اجتماعی آن‌کم می توانند نیاز را بهتر اداره کنند و احتیاجات مادی و معنوی افراد بشر را بر آورد بمخالفت بر میخیزد بلکه با سایر ادیان مثل دین مسیح نیز بمبارزه بر خاسته است در طول تاریخ مذهب یهود و مسیحیت تصادفات و خونریزی‌های شدیدی بین آن‌دو واقع شده و پیرمانه بهم تاخته اند از جمله در (۶۱۰) میلادی یهودیان در انطاکیه تحت فرماندهی و ابنوسوس ، فرمانده لشکر انطاکیه بجان مسیحیان افتادند و با قساوت بی سابقه‌ای عده زیادی از مسیحیان را از دم شمشیر گذراندند و عده‌ای را اعدام و گروه کثیری را در دریا غرق و دسته دیگری را سوزانده و بالاخره طائفه‌ای را باندازه‌ای شکنجه دادند که از بین رفتند ، (۱)

ولی بسیار جای تعجب و در عین حال برای مسلمانها عبرت آور است که دودشمن دیرین که سالیان درازی بخون هم دیگر تشنه بودند بخاطر مبارزه مشترک بر ضد اسلام در سالهای اخیر دست دوستی بهم دیگر داده و بیش از پیش به یک دیگر نزدیک شدند تا بهتر وقاطع تر بتوانند اسلام را بکوبند و بهترین شاهد آن صدور قرارداد عجیبی از ناحیه شورای مذهبی و اتیکان است مطابق این قرارداد که ۲۴۲۷ شخصیت دینی مسیحیان در آن شرکت داشتند مسیحیان یهود را از خون مسیح تبرئه نمودند !!

ناگفته پیداست که مسیحیان در حدود دوهزار سال است که با انجیل‌های خود آشنا هستند و انجیلها در مورد خون حضرت مسیح ، یهود را مسئول و مجرم معرفی می کنند ، شمار مسیحیان صلیب است ، و صلیب اشاره باین است که حضرت مسیح بدست یهود بدار آویخته شده است دنبال این قرارداد دولتهای کاتولیک که در سیاست خارجی خود تابع و اتیکان می باشند دولت اسرائیل

(۱) ما ذا خسر العالم بانحطاط المسلمین

را بر سمیت شناختند (۱) دنبال انتشار این قرارداد کمیته مرکزی «رابطة العالم الاسلامی» که از «هکمه» منتشر می‌شود، بیانیهای بمنظور تنبیه و بیدارباش مسلمان در سال ۱۳۸۴ منتشر کرد و در آن تأکید نمود که این نیرنگ سیاسی توسط صهیونیست و نیروهای مادی والحادی آنان برای تحت نفوذ قراردادن شریعت مسیح و بمنظور بر سمیت شناختن اسرائیل انجام گرفته است. از عهده این مقاله خارج است که حق در این مسأله مورد اختلاف با کدام یک از طرفین می‌باشد و قرآن در این باره چه نظری دارد؟

ولی این حقیقت تلخ مسلم است که با صدور این قرارداد برای عالم اسلام افق تاریک تازه‌ای باز شده است که اگر زود نجنبند و از نقشه‌های پشت پرده این عناصر خطرناک آگاهی کامل نیابند و بموقع برای مقابله آنها آماده نیاشند، حوادث شوم غیر قابل جبرانی را در دنبال خود دارد. شاهدزنده بر این ادعا همان پروتکل‌هایی است که توسط صهیونیسم برای قبضه کردن دنیا و دست یافتن به ذخائر طلای جهان و اشاعه هر نوع فساد تدوین شده است که خود آن به تنهایی بهترین معرف افکار و روحیات آنها می‌باشد

نیرنگ‌های خطرناک برای مبارزه با اسلام

مطالعه حوادث بعد از هجرت رسول اکرم بمدینه و نحوه ارتباط مسلمانها با یهودیان مدینه و اطراف آن بخوبی ثابت می‌کند که آنها که در حدود ۲۰ قبیله و از جمله: بنی نضیر و بنی قریظه و بنی قینقاع و... بودند از همان اوائل هجرت پیغمبر اکرم بمدینه، مخالفت خود را با اسلام و پیامبر اسلام شروع کردند.

آنها در مبارزه با اسلام و ایجاد رخنه در جامعه مسلمان، نقش‌های گوناگونی داشتند که از صدر اسلام تا کنون بنا به اقتضای شرائط محیط بصورت‌های مختلفی آنها را بر حلقه اجرا می‌گذارند، از جمله جاسوسی بفتح کفار و تحریک احساسات و عواطف مشرکین بر ضد مسلمانها، طرح نقشه‌های ترور و قتل، ایجاد اختلاف و نفاق بین مسلمان و اهانت با آنها، تطمیع مسلمانها، دروغ پردازیها و انتشار شایعات بی‌اساس، جعل احادیث دروغ و انتشار آنها در میان مسلمانها و اظهار اسلام بصورت ظاهر و مخالفت با آن در واقع.

لا بد خوانندگان گرامی سؤال می‌کنند که پیامبر اسلام و مسلمان در مقابل این نیرنگ‌های خائنانه چه عکس‌العمل‌هایی از خود نشان دادند و چگونه با این دسیسه‌های شیطانی مبارزه کردند؟ در پاسخ این سؤال ناگزیریم مقداری از طرق اساسی مبارزه مسلمان صدر اسلام را با آنان در اینجا ذکر کنیم:

این جمعیت بمنظور مشوب ساختن اذهان افراد تازه مسلمان شروع با انتشار یک سلسله مطالب دروغ نمودند، از جمله مطالب اینکه «بسیاری از مطالب قرآن با آنچه در کتب قدیم نوشته شده و در دست است مغایرت و مپابیت دارد بنا بر این دروغ است و نمیتوان آنها را وحی و محمد را پیامبر دانست» (۲) خوانندگان تصدیق دارند که انتشار این گونه خیرهای دروغی از

(۱) نقشه‌های استعمار در راه مبارزه با اسلام ص ۷۸

(۲) محمد پیامبر و سیاستمدار ص ۱۴۴

ساحیه پیروان دینی که آورنده آن حضرت موسی مورد تصدیق آیات قرآن قرار گرفته و در قرآن از او بعنوان پیغمبر اسم برده شده در مغازی یک عده از افراد تازه مسلمان چه تأثیر سوئی ایجاد می کنند و چه مانع بزرگی در سر راه پیشرفت اسلام بشمار می رود ؟ از اینرو لازم بود از طرف پیغمبر و مسلمانان یک سلسله تدابیر قاطع بر ضد دروغ پردازان اتخاذ گردد تا جامعه مسلمین را در جهت خاصی که منظور اصلی پیغمبر گرامی بود از خطرات حفظ کند. عکس العمل اسلام در مقابل این دروغ های بزرگ این بود که قرآن مجید با کمال صراحت بمنظور تقویت قلوب مسلمانان در مرحله اول یهود را چنین معرفی کرد که برخلاف کتاب خود تورات حکم می کنند و در اخفای حقایق موجود راجع به نبوت پیامبر اسلام و تفسیر نابجای آیات آن می کوشند (۱).

و در مرحله بعد ضربت عملی مسلمین بر مخالفین با قطع روابط معنوی و اعلام تغییر قبله از بیت المقدس و انجام عبادات بطرف مکه وارد گردید (۲)

اهانت بیک مسلمان بمنزله اهانت بهممه مسلمین است

جمعیت مزبور با این عکس العمل مسلمانان نه تنها از تحریکات خود و ایجاد نفاق بین مسلمین و برانگیختن احساسات مردم بر ضد پیغمبر و کمک و مساعدت سری به مشرکین دست نکشیدند ، بلکه در موارد متعدد از اهانت بمسلمانان در ملاء عام مضایقه نداشتند و لذا پیغمبر اکرم پس از جنگ بدر تصمیم گرفت که یهودیان قبیله قینقاع را که بشغل تجارت و زرگری در مدینه اشتغال داشتند از مدینه خارج کرده تبعید کند.

این تصمیم بحسب ظاهر گو اینکه بعلت یک حادثه جزئی گرفته شد و لکن در واقع عوامل متعددی از قبیل رابطه سری یهود با مخالفین اهل مکه و در اخذ تصمیم که با مصالح جامعه مسلمین و پیشرفت اسلام بستگی شدیدی داشت مؤثر بود . اجمال آن حادثه این بود که مردی از یهودیان قبیله قینقاع گوشه دامن زن مسلمانی را که در دکان زرگری نشسته بود بمنظور اهانت بوی باخاری بزمین دوخت بطوریکه دامن زن مسلمان هنگام برخاستن از جای خود، پاره شد و قسمتی از بدن وی عریان گردید و از این جریان عده ای بخنده افتادند ، و بدنبال آن احساسات مسلمانان را برانگیخت و همین امر سبب نزاع بین مسلمانان و یهود گردید ، و فرصتی به پیامبر داد که منظور دیرین خود را که تبعید آن جمعیت از مدینه بود عملی سازد .

جاسوسی بفتح دشمنان اسلام

یکی از خصوصیات بارز یهودیان از همان اوائل طلوع اسلام جاسوسی بفتح کفار و مخالفین اسلام بود در تاریخ اسلام برای این مدعی شواهد زیادی وجود دارد از جمله این که ابوسفیان بمنظور کسب اطلاعات از وضع مسلمانان در مدینه بعد از جنگ بدر و شکست کفار، بمنظور حمله بمدینه و جبران شکست بدر بارئیس یکی از قبایل یهود بنام « بنی نضیر » بطور سری تماس گرفت و اطلاعاتی از حالات سربازان اسلام بدست آورد (۳)

(۱) سوره نساء آیه ۴۶

(۲) سوره بقره آیات ۱۴۴ تا ۱۴۷

(۳) محمد پیامبر و سیاستمدار

از این رو مسلمانان با آنان اطمینان نداشته و حتی پیغمبر بارها پیشنهاد کمک آنان را برای کوبیدن کفار مکه رد کرد. کارشکنی و جاسوسی آنها بفتح کفار بعدی زیاد شد که مسلمانها ناچار شدند در باره آنها تصمیمات شدیدی بگیرند.

مسلمانها، هیچوقت نمیتوانستند خرابکاری و اعمال خیانت آمیز آنها را بر ضد جامعه اسلامی تحمل کنند، مخصوصاً بنی قریظه در موارد متعددی با مخالفان اسلام روابط خیانت آمیزی داشتند و در یک مورد قصد داشتند که بمسلمانها شبیخون زده همه را بکشند، این عمل بالاترین گناه و خیانت بود.

جریان از این قرار بود که پیغمبر بعد از پیروزی سر بازان فداکار اسلام در جنگ خندق پیش از غروب آفتاب سر بازان دستور داد که در برابر پناهاگاهها و سنگرهای قبیله یهود بنی قریظه که در جریان جنگ پیمان شکنی کرده با کفار مکه همدست شدند، گرد آیند و آنها را محاصره کنند، این محاصره ۲۵ روز طول کشید، آنها که موقعیت خود را سخت در خطر دیدند با وجود اختلافات داخلی فوراً پیامی برای پیامبر فرستادند و تسلیم خود را بر اساس قراردادی که با طائفه بنی نضیر بسته شده بود اعلام داشتند ولی حضرت پاسخ داد بدون قید و شرط باید تسلیم شوند، آنها تسلیم شدند و بکفرا اعمال خود رسیدند.

نقشه قتل پیغمبر چگونه بهم خورد؟

بنی قریظه که از پیشرفت سریع اسلام ناراحت بودند می دانستند که تمام این پیشرفتها و ترقیات اسلام بر محور وجود پیامبر اسلام دور می زند و اگر آنحضرت را از بین ببرند همه چیز پایان می یابد، از این رو بارها بفرق قتل پیغمبر افتادند غافل از اینکه خدائی که پیامبر را برای ارشاد و راهنمایی مردم فرستاده است در همه حال حافظ او خواهد بود و از اعمال آنان، آگاه و بموقع نقشه های آنان را نقش بر آب می کند.

بعد از جنگ احد پیامبر اسلام اطلاع پیدا کرد که یهودیان بنی نضیر نه تنها در جواب تقاضای پیغمبر راجع بمساعدت در خونبهای دو تن از طائفه عمیر که بدست دو فرد مسلمان کشته شده بودند تأخیر کردند بلکه طبق نقشه ای که طرح نموده اند در صدد قتل پیغمبر می باشند مطابق این نقشه قرار بود یهودیان سنگ بزرگی از پشت بام برس پیامبر اسلام انداخته و بزنگی وی و نهضت دامنه دار آنحضرت خاتمه دهند.

پیغمبر اکرم بلافاصله پیامی برای آنان فرستاد که باید در عرض ۱۰ روز مدینه را تخلیه کنند ولی حق مالکیت آنان بر نخلهای خود محفوظ بوده محصول آنها مال خودشان خواهد بود. باین ترتیب با اتفاق کاروانی بخیبر که در هفتاد میلی مدینه قرار داشت تبعید شدند و تمام شمشیرها و کلاه خودها و جوشنهای خود را تحویل مسلمانان دادند (۱) آنها در تبعید گاه نیز دست از تحریکات خود بر ضد مسلمانها برنداشتند و در اتحادیه بزرگ کفار برای جنگ با مسلمانها و ایجاد جنگ احزاب نقش عمده ای داشتند حتی به اعراب بدوی که در آن جنگ برای نابودی اسلام شرکت می زدند وعده می دادند که نیمی از محصول خرماي خیبر را با آنان بدهند (۲)

قطع نفوذ سیاسی

در طول تاریخ اسلام موارد متعددی دیده می‌شود که این جمعیت با تحریک حس انتقام-جویی کفار مکه و تطمیع طوائف عرب در صدد انتقام از اسلام و نابودی آن برآمدند. بهتر است این حقیقت را از زبان یک دانشمند و اسلام‌شناس خارجی «مونتگمری وات» بشنوید: «یهودیانیکه در اتحادیه مکه شرکت داشتند به تحریکات خود ادامه می‌دادند و طوائف عرب را با دادن رشوه تشویق می‌کردند که همکاری نظامی بکنند، اتفاقاً یکی از طوائف تمایلی پیدا کرده بود که چنین کاری بکند و چون مسلمانان آگاه شدند لشکری فرستادند و در حدود ۵۰۰ شتر و ۲۰۰ گوسفند آنها را به غنیمت بردند و در ضمن خواستند با آنها، همداری دهند که همدردی با دشمنان اسلام برای آنان گران تمام خواهد شد این همدار با کشته شدن رؤسای آنان در خیبر بیهودها نیز داده شد، (۱) همین تحریکات و روابط سری آنان با کفار مکه سبب شد که پیغمبر اکرم تصمیم گرفت با سر بازان خود خیبر را فتح کند.

با فتح خیبر نفوذ سیاسی یهودیان خیبر پایان رسید و از لحاظ اقتصادی و سیاسی تابع مدینه شدند زیرا اگر چه می‌خواستند به نیرنگ و دسیسه خود ادامه دهند دیگر ثروت و امکاناتی برای ابتکار نداشتند و از طرفی رهبری هم که آنها را هدایت کند در کار نبود و بقول «مونتگمری وات» «سقوط خیبر و تسلیم آنان در مقابل سر بازان اسلام نشانه خاتمه کار یهود در زمان پیغمبر بود» (۲)

نشر اکاذیب

بعد از شکست‌های متوالی که آنها از سر بازان اسلام دیدند خوب در یافتند که با زور و قدرت نظامی و مالی نمیتوانند با اسلام بمبارزه برخیزند ناچار از طریق دیگر وارد شدند که مؤثرترین و خطرناکترین طرق مبارزه بود بعضی از آنها ظاهراً تظاهر باسلامی کردند اما در واقع با جعل اکاذیب و نشر خرافات و نسبت دادن آنها باسلام تیشه بریشه اسلام میزدند چون دیدند که افتراء به قرآن و تحریف آن باوضی که قرآن داشت ممکن نیست بفرق افتادند روایات دروغی از پیغمبر جعل کنند و در میان آنان علماء زیادی دیده می‌شد از قبیل: کعب الاحبار و وهب ابن منبه و عبدالله بن سلام که در میان اعراب نفوذ زیادی بهم رسانده بودند و مسلمانها نیز از آنان روایات زیادی راجع بقضایای انبیاء گذشته شنیده بودند آنها از این موقعیت سوء استفاده کرده احادیث دروغی از پیغمبر نقل می‌نمودند چنانکه ذهبی در تذکره الحفاظی می‌نویسد: «کعب الاحبار در زمان خلافت عمر وارد مدین شد و بزرگان صحابه و جماعتی از تابعین از وی روایاتی از پیغمبر نقل می‌نمودند و در سنه ۳۲ یا ۳۳ بعد از اینکه بلاد شام و غیر آن از ممالک اسلامی را پر از خرافات یهود نمود در حرم از دنیا رفت» (۳)

حتی سوء نیت کعب الاحبار که در زمان عمر اسلام آورده بود بخود عمر و سایر مسلمانان ثابت شد و لذا عمر او را از نقل احادیث نبوی منع نمود (۴) و شاید همین امر سبب شد که او در توطئه قتل عمر شرکت کند (۵).

۱- محمد و پیامبر و سیاستمدار ص ۱۶۷. محمد پیامبر و سیاستمدار ص ۳۲۴- ضحی الاسلام ج ۲ ص ۱۳۹

۴- البدایة و النهایة ج ۸ ص ۲۰ ۵- اضواء صفحه ۱۴۵